



از آقای نقاش تا آقای خواننده!

مریم شبنم زاده

و تجاوز جنسی نبود. فرقی نداشت که آزار توسط یکی از اعضای خانواده رخ دهد یا توسط چهره‌های مشهور. آنچه اهمیت داشت، شکستن سکوت و اعتراض بود. با این حال، در کشور ما و با توجه به اتهاماتی که قربانیان مطرح کرده‌اند، «سوءاستفاده از قدرت» بیشترین فراوانی را دارد. در سال‌های اخیر فیلم‌ها و سریال‌های زیادی درباره «فرهنگ تجاوز» ساخته شده است که از «Bombshell» و «the morning show» می‌توان به عنوان نمونه‌هایی یاد کرد که فرهنگ تجاوز را در یک سازمان بررسی می‌کنند. جایی که قدرت دست‌مایه‌ای برای سوءاستفاده جنسی از زنان می‌شود و اگر زنی به خواسته‌های افراد ارشد سازمان تن ندهد، بلافاصله از بازی خارج می‌شود. بشرا، یکی از نزدیکان نامجو، در روایتی بیان می‌کند که پس از نه گفتن به محسن نامجو، شاهد تلاش‌های او برای حذفش از فعالیت‌های هنری بود. عده‌ای نیز در فضای توئیتر به آعداشلو لقب «هاروی واینستین ایران» را دادند و گفتند که پیشرفت شغلی‌شان به رد یا قبول پیشنهادهای آعداشلو بستگی داشت. یکی از شرکت‌های معتبر فروش اینترنتی نیز پس از افشای کارمندان زن با هشتگ «#من_هم» اقدام به عذرخواهی کرد و اعلام کرد که پیگیر اتهامات وارده به یکی از مدیران سابق این شرکت خواهد بود. در کشور ما موضوع سوءاستفاده جنسی در محیط کار و پیشرفت زنان تا به امروز محسوب می‌شود، اما به نظر می‌رسد که برخورد با آزارگران و متجاوزان در محیط‌های کاری، نیازمند قوانین حمایتگر جدی‌تری است. پس از گذشت سال‌ها از ورود زنان به عرصه‌های خارج از محیط خانه، هنوز هم قانون رسمی درباره آزار جنسی در محیط کار وجود ندارد. از طرفی این امکان وجود دارد تا شرکت‌ها و سازمان‌ها در آیین‌نامه‌های خصوصی خود، قوانینی به منظور پیشگیری از آزار جنسی در محیط کار تنظیم و تصویب کنند. علاوه بر همه این‌ها، به نظر می‌رسد امروزه لزوم آگاهی بخشی به جامعه و آموزش زنان در رویارویی با موقعیت‌هایی از این قبیل، بیش از پیش اهمیت دارد.

اتهام آزار جنسی بست، طرفداران نامجو که لابد انتظارش را نداشتند، در فضای مجازی راه افتادند و هر جایی را که از نامجو انتقاد می‌شد، به خاک و خون می‌کشیدند! نامجو هم ویدئویی منتشر کرد و همه چیز را از پایه و اساس شایعه خواند. فروردین امسال اما ماجرا جدی‌تر شد. آدم‌های حقیقی لب‌باز کردند و نامجو که دیگر راهی برایش باقی نمانده بود، باز هم جلو دوربین نشست. این بار کمی سنجیده‌تر، اتهام آزار کلامی را پذیرفت، اما سوءاستفاده از قدرت برای بهره‌وری جنسی را خیر. بعد هم بیان کرد که حرف‌ها و شوخی‌هایش برآمده از فرهنگ چند هزارساله مردسالاری است و علت این سوءتفاهم‌ها این بوده است که هنوز نمی‌داند چطور باید با یک خانم ارتباط برقرار کند. نامجو تا انتهای این ویدئو کلی‌گویی کرد و دیگر حرفی از نام و نشان قربانیان آزار، نحوه چگونگی آزار و راه‌حشش برای جبران به میان نیامد. نامجو فقط ابراز تأسف کرد و گفت در کنار این جنبش باقی می‌ماند. بعد عده‌ای با آغوش باز پذیرای این عذرخواهی شدند و عده‌ای هم از نبود شفافیت و صداقت در این کلیپ چند دقیقه‌ای گفتند. نتیجه چه شد؟ هیچ! بلافاصله پس از ویدئو عذرخواهی و ابراز پشیمانی نامجو، صوتی از او منتشر شد که نشان می‌داد نامجو خودش را مقصر نمی‌داند. او حتی فرهنگ مردسالارانه را هم در واقعیت مقصر نمی‌داند. از نظر نامجو مقصر خود زنان بودند و حتی در جایی از صحبت‌هایش بیان می‌کند که یک ساعت نفس کشیدن او معادل ۶ ماه زندگی آدم‌هایی است که انگشت اتهامشان را به سوی او نشانده‌اند. بعد از انتشار این صوت، زرمه‌هایی به گوش می‌رسید که آن را مربوط به گذشته می‌دانست، اما در عین ناباوری، نامجو در مصاحبه با خبرنگاری بی‌بی‌سی گفت که صوت مربوط به ۲ هفته پیش است و چه کسی باورش می‌شود که از زمان ضبط این صوت تا زمان ضبط ویدئو عذرخواهی، نامجو دچار تحولی بزرگ شده باشد.

آزار جنسی در محیط‌های رسمی

از همان ابتدا #MeToo در برگیرنده نوع خاصی از آزار

اهمیت دارد. جورج مونیبو در این مقاله نوشته بود که مشکلات واقعی جامعه انگار زمانی رسمیت پیدا می‌کنند که از زبان یک سلبریتی شنیده شوند. زیرا بیشتر رسانه‌ها خود را وقف اخبار سلبریتی‌ها می‌کنند. مونیبو واضح و روان درباره این پدیده نوشت، اما یک چیز را فراموش کرد؛ اینکه جامعه هم می‌تواند به مشکلات یک سلبریتی رسمیت ببخشد.

از آقای نقاش...

سارا امت‌علی نخستین کسی بود که در بین ایرانیان یک سلبریتی را به آزار جنسی متهم کرد. امت‌علی با انتشار رشته توئیتهای درباره روزی نوشت که توسط آیدین آعداشلو آزار جنسی شده بود و پس از او ۱۳ زن دیگر که پیش از آن یکدیگر را نمی‌شناختند، با نشریه نیویورک تایمز به گفت‌وگو پرداختند و خود را قربانی آزار او معرفی کردند. در بین افرادی که انگشت اتهامشان را به سمت آعداشلو نشانده‌اند، نام یک تهیه‌کننده و یک بازیگر مشهور نیز به چشم می‌خورد. لاله صبوری که ۲ سال شاگرد آیدین آعداشلو بود، در توئیتهای نوشت «تجاوز! وصله‌ای که کاربران توئیتر بازخواست شود، تشویق شد، اگر چه بلافاصله آعداشلو از او شکایت کرد. چندماه بعد در دی ۱۳۹۹ هم آیدین آعداشلو در سیزدهمین حراج تهران رکوردشکنی کرد، هر چند که این رکوردشکنی هم خالی از حاشیه‌های جنجالی نبود. یکی از تابلوهای آعداشلو در این حراج ۱۲ میلیارد تومان چکش خورد تا بار دیگر حرف و حدیث‌ها درباره او قوت بگیرد.

... تا آقای خواننده

در این مدت وزیر سایه جنبش #MeToo در فضای مجازی فارسی زبان آزارگران زیادی نام برده شد، اما در بین آن‌ها تعداد آدم‌هایی که روایت آزارگری‌شان سر از رسانه‌های رسمی درآورد، انگشت شمار بود. آدم‌هایی که بعد از آعداشلو پرسروصداترینشان محسن نامجو بود. خواننده آن‌ور آبی که گاهی کلیپ حرف‌های فلسفی‌اش درباره ابعاد مختلف زندگی، حساسی دست‌به‌دست می‌شد. آهنگ‌های نامجو بی‌تکلف و ساده بود. از کلمه‌های دم‌دستی استفاده می‌کرد و خیلی در بند تشریفات ساخت و پرداخت یک موسیقی همه‌پسند نبود. وقتی سروکله اکانته به نام «ماهی» در توئیتر پیدا شد که به نامجو

میان جنبش جهانی «#MeToo» تاجنیش ایرانی‌زده شده «#من_هم» چیزی حدود ۴ سال فاصله بود. از روزی که زنان در گوشه و کنار دنیا از تجربه آزار و تجاوز جنسی خود نوشتند تا روزی که زنان ایرانی در کنار توئیتهایشان از #MeToo استفاده کردند، ۴ سال زمان برد. انگار که جامعه خواهد در این ۴ سال فرصتی داشته باشد تا هم آزاردیدگان را مجاب به حرف زدن کند و هم افکار عمومی را مهیای صف‌آرایی در برابر آزارگران. در ایران به واسطه ضعف قوانین حمایتگر، اثبات چنین موضوع‌هایی پس از سال‌ها تقریباً ناممکن است، اما تجربه‌های سوایی کیوان امام‌وردی نشان داد که هنوز هم چنین اعتراض‌هایی راهگشاست. کیوان امام‌وردی دانشجوی باستان‌شناسی دانشگاه تهران بود که هم‌زمان با اوج گرفتن این جنبش در ایران، به بیش از ۳۰۰ مورد تجاوز اعتراف کرد و پلیس توانست در خانه او ۴۶ فیلم از تجاوز به قربانیان پیدا کند.

شروع جنبش #MeToo

تا آن‌ا بر کسی بود که برای نخستین بار از هشتگ #MeToo در توئیتهای خود استفاده کرد. آن هم زمانی که می‌خواست روی صفحه شخصی‌اش درباره اتهامات جنسی هاروی واینستین، تهیه‌کننده مشهور آمریکایی، بنویسد. برک یک فعال اجتماعی بود و دغدغه شکل‌گیری یک جریان را داشت، اما بعید می‌دانم که جایگاه امروز این هشتگ، در ابتدای راه، لحظه‌ای به ذهنش خطور کرده باشد. هشتگ همان کلیدواژه‌ای است که اجازه می‌دهد افراد دسترسی ساده‌تری به محتوای دل‌خواهشان داشته باشند. آدم‌ها با هشتگ می‌توانند سریع و بی‌مقدمه به آدم‌های دیگری برسند که یک یا چند روز پیش، به همان چیزی فکر کرده‌اند که امروز از ذهن آن‌ها گذشته است. در سال ۲۰۱۷ چیزی از توئیتهای برک و به کارگیری هشتگ #MeToo نگذشته بود که زنان بیشتری دست‌به‌کار شدند و از تجربه آزار و تجاوز جنسی نوشتند. قربانیانی که به هر دلیلی نتوانسته بودند یا نتوانسته بودند صدایشان را به جایی برسانند، حالا تریبون‌های مجازی در اختیارشان بود تا در میان قربانیان دیگر حرف‌هایی را که مدت‌ها گوشه ذهنشان نگه داشته بودند، بیرون بزنند و مسیر برای حرف‌های بیشتر هموار کنند. این طور بود که خیلی زود ۵۰ هزار زن از سراسر دنیا شروع به حرف زدن کردند. زنانی که در بین آن‌ها چهره‌های مشهور زیادی حضور داشتند. در همان سال گاردین مقاله‌ای منتشر کرد و از این نوشت که چرا همراهی چهره‌های مشهور با این جنبش